



## ازدواج زود و بهنگام یک نیاز و ضرورت

پیامبر اکرم(ص) اصرار داشتند جوان‌ها زود ازدواج کنند—چه دخترها و چه پسرها البته با میل و اختیار خودشان، نه اینکه دیگران برایشان تصمیم بگیرند. ما هم باید در جامعه خودمان این را رواج دهیم. جوان‌ها در سنسین مناسب، وقتی از دوران جوانی خارج نشده‌اند، در همان حال گرمی و شور و شوق، باید ازدواج کنند. این برخلاف برداشت و تلقی خیلی از افراد است که خیال می‌کنند ازدواج‌های دوران جوانی، ازدواج‌های زودرس است و ماندگار نیست، درست برعکس است. این‌طور نیست،

اگر درست صورت بگیرد، ازدواج‌های بسیار ماندگار و خوبی هم خواهد بود و زن و شوهر در چنین خانواده‌ای کاملاً با هم صمیمی خواهند بود.<sup>(۱)</sup>

**ازدواج در آغاز احساس نیاز**

اسلام اصرار دارد بر اینکه این پدیده در اوان خود، هر چه زودتر، در آغاز احساس نیاز انجام گیرد. این هم از اختصاصات اسلام است، هر چه زودتر بهتر زود که می‌گوییم یعنی از همان وقتی که دختر و پسر احساس نیاز می‌کنند به داشتن همسر؛ هر چه این کار زودتر انجام بگیرد، بهتر است. علت چیست؟ علت این است که اولاً برکت و خیراتی که در امر ازدواج وجود دارد در وقت خود و زودتر از اینکه زمان بگذرد و عمر تلف بشود، برای انسان حاصل خواهد شد. ثانیاً جلوی طغیان‌های جنسی را می‌گیرد. لذا می‌فرماید: «من تزوّج احرز نصف دین»؛<sup>(۲)</sup> کسی که ازدواج کند، نصف دینش را حفظ کرده است.<sup>(۳)</sup> طبق این روایت معلوم می‌شود که نصف تهدیدی که انسان دربراه دین خود می‌بیند از طرف طغیان‌های جنسی است که خیلی رقم بالایی است.<sup>(۴)</sup>

**ازدواج؛ وسیله آرامش روحی**

فرصت ازدواج و آرام گرفتن در یک مجموعه خانواده، یکی از فرصت‌های مهم زندگی است. برای زن و مرد— هر دو— این یک وسیله آرامش و آسایش روحی و وسیله دلگرم شدن به تداوم فعالیت زندگی است. وسیله تسلی، وسیله پیدا کردن یک غمخوار نزدیک که برای انسان در طول زندگی لازم است قطع نظر از نیازهای طبیعی انسان که نیازهای غریزی و جنسی می‌باشد، مسئله تولید نسل و داشتن فرزند هم خود از دلخوشی‌های بزرگ زندگی است.

پس می‌بینید از هر دو طرف که انسان نگاه می‌کند، ازدواج یک امر مبارک و یک پدیده بسیار مفید است. البته مهم‌ترین فایده ازدواج، همان تشکیل خانواده است و بقیه مسائل، فرعی و درجه دو و یا پشت‌توانه این مسئله است؛ مثل تولید نسل یا ارضای غرایز بشری. این‌ها همه درجه دو است، درجه اول همان تشکیل خانواده است.<sup>(۵)</sup>

- ↑ خطبه عقد مورخه ۱۳۲۳/۱۲/۱۷
- ↑ بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۱۹
- ↑ خطبه عقد مورخه ۱۳۲۹/۱۲/۱۸
- ↑ خطبه عقد مورخه ۱۳۲۹/۱۲/۱۸.

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای

۲. همانجا

۳. همانجا

۴. همانجا

۵. همانجا

۶. همانجا

۷. همانجا

۸. همانجا

۹. همانجا

۱۰. همانجا

۱۱. همانجا

۱۲. همانجا

۱۳. همانجا

۱۴. همانجا

۱۵. همانجا

۱۶. همانجا

۱۷. همانجا

۱۸. همانجا

۱۹. همانجا

۲۰. همانجا

۲۱. همانجا

۲۲. همانجا

۲۳. همانجا

۲۴. همانجا

۲۵. همانجا

۲۶. همانجا

۲۷. همانجا

۲۸. همانجا

۲۹. همانجا

۳۰. همانجا

۳۱. همانجا

۳۲. همانجا

۳۳. همانجا

۳۴. همانجا

۳۵. همانجا

۳۶. همانجا

۳۷. همانجا

۳۸. همانجا

۳۹. همانجا

۴۰. همانجا

۴۱. همانجا

۴۲. همانجا

۴۳. همانجا

۴۴. همانجا

۴۵. همانجا

۴۶. همانجا

۴۷. همانجا

۴۸. همانجا

۴۹. همانجا

۵۰. همانجا

در مطلب حاضر دیدگاه قرآن دربارهٔ گناه کیبره غیبت بررسی شده و آثار آن و نیز راه ترک این ردینه اخلاقی بیان گردیده است.

\*\*\*

چیستی غیبت

غیبت آن است که در غیاب کسی سخنی گوینده، منتهی سخنی که عیبی از عیوب او را فاش سازد. خواه این عیب جسمانی باشد، یا اخلاقی، در اعمال او باشد یا در سخنش. بنابراین، اگر کسی صفات ظاهر و آشکار دیگری را بیان کند، غیبت نخواهد بود، مگر اینکه قصد سرزنش کردن و عیب‌جویی داشته باشد. اگر صفتی در شخصی وجود نداشته باشد و گفته شود، داخل در عنوان «تهمت» خواهد بود که گناه آن به مراتب شدیدتر و سنگین‌تر است. امام صادق(ع)می‌فرماید: «الغیبة أن تقول فی أخیک ما ستره الله علیه و اما الامر الظاهر، فی مثل الحدة و العجلة، فلا و البهتان أن تقول ما لیس فیهِ غیبت آن است که دربارهٔ برادر مسلمات چیزی را بگویی که خداوند پنهان داشته، و اما چیزی که ظاهر است مانند تندخویی و عجله، داخل در غیبت نیست. بهتان این است که چیزی را بگویی که در او وجود ندارد.»<sup>[۱]</sup>

**نگاه تند قرآن نسبت به غیبت**

برخی آیات دربارهٔ نکوهش غیبت عبارتند از:
(الف) **أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا إِنَّا جَعَلْنَا لَکُمْ فِی الدِّینِ نَحْمًا وَبُغْیًا وَبَغْیًا مِّنْهُم مَّا یُحِبُّ أَحَدُکُمْ مِّنْ أَیِّکُمْ لَنْ یُحِبَّ مَنَّا فَکَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِیدٌ عَلَیْمٌ** و هیچ یک از شما دیگری را غیبت نکند، آیا کسی از شما دوست دارد که گوشتش برادر مردهٔ خود را بخورد؟ (به یقین) همهٔ شما از این امر کره‌اند دارید. تقوای الهی پیشه کنید که خداوند توبه‌پذیر و مهربان است.<sup>[۱]</sup>
در جمله **أُحِبُّ أَحَدُکُمْ**؛ نخست استفادهٔ انکاری به کار برده، و حب منفی

# غیبت؛ گناهی سنگین‌تر از ربا و زنا

را به «أحد»، یعنی یکی از مسلمانان نسبت داده و نه به بعضی از مسلمانان. یعنی فرموده: «أُحِبُّ بعضُکُم» تا مشمول نفی واضح‌تر شود؛ یعنی اینکه حتی یک نفر از شما نیز حاضر نخواهد شد که گوشت برادر مردهٔ خود را بخورد، چه رسد به بعضی یا همه مردم و باز به همین منظور نفی مذکور را با جملهٔ «کرهتُموه» تأکید کرده است؛ یعنی اینکه همهٔ شما این امر را زشت می‌دانید. حاصل معنای آیهٔ آنکه: غیبت کردن مؤمن به منزلهٔ خوردن گوشت برادر خود در حالی که او مرده است می‌باشد.

آیه یاد شده اشاره به نکات اخلاقی و تربیتی دارد، از جمله:

۱. فرد غالب همچون مرده است که قدرت بر دفاع از خویش ندارد و هجوم بردن

بر کسی که قادر بر دفاع از خویش نیست، بدترین نوع ناچوارمردی است.

۲. بی‌شک خوردن گوشت مرده سبب سلامت جسم و جان نمی‌شود، بلکه

سرچشمهٔ انواع بیماری‌ها است. بنابراین، غیبت‌کننده اگر آتش کینه و حسد خود را با

غیبت به طور موقت فرو نشاند، به یقین چیزی نمی‌گذرد که همان بذره‌ای نهفتهٔ مفاسد اخلاقی در درون جان او سر می‌کشد و همچون خارهای مغیلاب او را آزار می‌دهد.

۳. غیبت‌کننده انسان ضعیف و ناتوانی است که شهادت منافق‌ها را با مسائل را

ندارد و به همین دلیل به مردهٔ برادر خویش هجوم می‌برد.

همان‌گونه که یک حیوان یا انسان مردارخور، سبب انتشار انواع میکروبه‌های

بیماری‌زا می‌شود، شخص غیبت‌کننده نیز با ذکر گناهان و عیوب پنهانی برادران

مسلمان عوامل‌اشاعهٔ فحشاء را فراهم می‌سازد.

قرآن مجید با ذکر این مثال و بریزه‌کاری‌ها که در آن نهفته شده به تحریک

وجدان و فطرت انسان‌ها در برابر این گناه بزرگ می‌پردازد و شاید به همین دلیل

جمله را با سؤال شروع می‌کند، تا پاسخ آن از درون انسان‌ها برخیزد و تأثیر آن قوی‌تر

شود، می‌فرماید: «یا هیچ یک از شما دوست دارد گوشت برادر مرده خود را بخورد؟»

در ضمن آیه می‌تواند اشرارای به این نکته نیز باشد که موارد جواز غیبت (مانند

تظلم و رفع ستم و مشورت و اصلاح ذات‌البین در واقع مانند موارد اضطرار به اکل

میته است که انسان باید به حداقل قناعت کند.

## تعبیر به «ویل» در ۲۷ مورد از قرآن مجید دیده می‌شود، که در مقام نفرین و به معنی هلاکت و یا به معنی انواع عذاب است و با توجه به موارد استعمال آن در قرآن به خوبی روشن می‌شود که این واژه در مواردی به کار می‌رود که کارهای بسیار زشتی انجام گرفته است و از اینجا روشن می‌شود که غیبت و عیب‌جویی از دیدگاه قرآن مجید از زشت‌ترین کارهاست.



خداوند متعال در آیه یاد شده، با تهدید کوبنده‌ای به سراغ عیب‌جویان و غیبت‌کنندگان می‌رود و می‌فرماید: «**وای** بر هر عیب‌جوی غیبت‌کننده‌ای که مردم با ایمان را به سخره می‌گیرند و با نیش زبان و حرکات دست و چشم و ابرو، در پشت سر و پیش رو، مؤمنان را هدف تیرهای لعن و تهمت قرار می‌دهند.

واژهٔ «المسرّه» و «همزه» که هر دو صیغهٔ مبالغه و به یک معنی است-اشاره به غیبت‌کنندگان و عیب‌جویان دارد.

تعبیر به «ویل» که در آغاز این آیه آمده است، در ۲۷ مورد از قرآن مجید دیده می‌شود، که در مقام نفرین و به معنی هلاکت و یا به معنی انواع عذاب است و با توجه به موارد استعمال ویل در قرآن به خوبی روشن می‌شود که این واژه در مواردی

است:
(ب) آیهٔ دیگری که در مذمت غیبت‌کنندگان نازل شده: آیه:
«**وَيْلٌ لِّکُلِّ مُفَرِّطٍ**

**لَمُزْمَةٍ**»<sup>[۲]</sup> است.

خداوند متعال در آیه یاد شده، با تهدید کوبنده‌ای به سراغ عیب‌جویان و غیبت‌کنندگان می‌رود و می‌فرماید: «**وای** بر هر عیب‌جوی غیبت‌کننده‌ای که مردم با ایمان را به سخره می‌گیرند و با نیش زبان و حرکات دست و چشم و ابرو، در پشت سر و پیش رو، مؤمنان را هدف تیرهای لعن و تهمت قرار می‌دهند.

واژهٔ «المسرّه» و «همزه» که هر دو صیغهٔ مبالغه و به یک معنی است-اشاره به غیبت‌کنندگان و عیب‌جویان دارد.

تعبیر به «ویل» که در آغاز این آیه آمده است، در ۲۷ مورد از قرآن مجید دیده می‌شود، که در مقام نفرین و به معنی هلاکت و یا به معنی انواع عذاب است و با توجه به موارد استعمال ویل در قرآن به خوبی روشن می‌شود که این واژه در مواردی

است:
(ب) آیهٔ دیگری که در مذمت غیبت‌کنندگان نازل شده: آیه:
«**وَيْلٌ لِّکُلِّ مُفَرِّطٍ**

**لَمُزْمَةٍ**»<sup>[۲]</sup> است.

مفهوم لغوی حجاب به معنای، پرده و پوشش آمده. استعمال این کلمه، بیشتر به معنای پرده است. این کلمه به آن جهت معنای پوشش می‌دهد که پرده وسیلهٔ پوشش است ولی بر پوششی حجاب نیست بلکه این پوششی حجاب نامیده می‌شود که از طریق پشت پرده واقع شدن صورت می‌گیرد.

(حمد بن محمد بن علی القویمی، مصباح‌المنیر: واژهٔ حجب)
(ما مفهوم اصطلاحی حجاب: این واژه در قفقه به معنای لغوی خود، که پرده

حایل میان دو چیز باشد، به کار رفت و معنای جدیدی برای آن ایجاد نشده بود. در دوران متأخر این واژه معنای اصطلاحی خاصی پیدا کرد و به پوشش خاص زنان اطلاع شد. (قاسم نصیرزاده، زن، بصیرت، حجاب، ص ۱۱۲)

**حجاب در قرآن و روایات**

در قرآن کریم، آیاتی چند به طور صریح در مورد حجاب و کیفیت آن نازل شده‌است، در سوره نور طی آیات مفصّلی آمده است:
«... و بر مردان مؤمن بگو که چشمان خود را از نگاه به نامحرمان فرو گیرند و نیز دامان خویش را که برای ایشان پاکیزه‌تر است. همانا خداوند آنچه انجام می‌دهد آگاه است.»
«و به بانوان با ایمان بگو چشم‌های خود را از نگاه خود اود فرو گیرند و دامان خویش را حفظ کنند و زینت‌های خود را جز آن مقداری که ظاهر است نمایان نکنند و روسری‌های خود را بر سینه افکنند و زینت خود را آشکار نسازند مگر برای شوهرانشان و پدرانانشان یا پدر شوهرانشان یا برادرانشان، پس برادرانشان، زنان هم‌کیشانش، کنیزانشان، مردان سفیهی که تمایلی به زنان ندارند، و یا کودکانی که غیرممیز هستند و پاهای خود را به زمین نکوبند تا زینت‌های پنهانشان آشکار شود، و همگی به سوی خداوند بازگردید، ای مؤمنان باشد که رستگار شوید.» (نور - ۳۰ - ۳۱)
همچنین در سوره احزاب آمده است:
«ای پیامبر! به همسران و دختران خویش و بانوان باایمان بگو روسری‌های بلند خود را فرو افکنند تا به عقاف و حریت شناخته شوند و مورد آزار و تعرض هوس‌ران قرار نگیرند، و خداوند آمرزنده و مهربان است.» (احزاب - ۵۹)

هرگز نرم و نازک با مردم سخن مگویند تا آنکه دلش بیمار است به طمع افتد. بلکه متین و نیکو سخن بگوید. «خاکه را از منزل گاه خویش فرار دهد و هرگز مانند دوره جاهلیت نخستین، آرایش و خودآرایی نکند و نماز را به پا دارد و زکات را بپردازد و از خدا و رسولش اطاعت نکند.» (احزاب - ۳۳ و ۳۲)
پیامبر گرامی اسلام(ص) و ائمه معصومین(ع) علاوه بر تأکیدیاتی که بر

## معارف Maaref@Kayhan.ir



**بی‌شک خوردن گوشت مرده سبب سلامت جسم و جان نمی‌شود، بلکه سرچشمهٔ انواع بیماری‌ها است، بنابراین، غیبت‌کننده اگر آتش کینه و حسد خود را با غیبت به طور موقت فرو نشاند، به یقین چیزی نمی‌گذرد که همان بذره‌ای نهفتهٔ مفاسد اخلاقی در درون جان او سر می‌کشد و همچون خارهای مغیلاب او را آزار می‌دهد.**

به کار می‌رود که کارهای بسیار زشتی انجام گرفته است و از اینجا روشن می‌شود که غیبت و عیب‌جویی از دیدگاه قرآن مجید از زشت‌ترین کارهاست.

**(ج) آیه: إِنَّ الَّذِینَ یُحِبُّونَ أَنْ تُشِیعَ الْفَاحِشَةُ فِی الدِّینِ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِیمٌ فِی النَّارِ وَالتَّوْبَةُ إِذَا عَلِمُوا** کسانی که دوست دارند زشتی‌ها در میان مردم با ایمان شیوع یابد عذاب دردناکی برای آنان در دنیا و آخرت است.

در آیه یاد شده خداوند متعال به طور مستقیم سخن از نکوهش‌اشاعهٔ فحشاء و تهدید شدید مرتکب‌شوندگان به میان می‌آورد و به طور ضمنی، از غیبت کردن مذمت می‌کند. زیر‌اشاعهٔ فحشاء غالباً از راه غیبت یا تهمت است. البته شأن نزول آن در مورد تهمت است که از سوی منافقان به یکی از همسران پیامبر -ص- زده شد بود، ولی مسئله اشاعه فحشاء مفهوم عام دارد که بویژه غیبت را در بسیاری از

بزرگ بر باد نرود و حرمت اشخاص درهم نشکند، نکتهٔ دیگر اینکه غیبت، بدبینی می‌آورد، پیوندهای اجتماعی را سُست می‌کند، بذخ و عداوت را در دل‌ها می‌پاشد و گاه سرچشمهٔ نزاع‌های خونین و قتل و کشتار می‌شود.

پیامبر گرامی اسلام -ص- می‌فرماید: «هرهمی که انسان از ربا به دست می‌آورد گناهش نزد خدا از نسی و ششش زنا بزرگ‌تر است و از هر ربا بالاتر آبروی مسلمان است.»<sup>[۱]</sup>

و در حدیث دیگری آمده است که خداوند به حضرت موسی -ع- وحی فرستاد: «کسی که بمیرد در حالی که از غیبت توبه کرده باشد آخرین کسی است که وارد بهشت می‌شود و کسی که بمیرد در حالی که اصرار بر آن داشته باشد اولین کسی است که وارد دوزخ می‌گردد.»<sup>[۱]</sup>

و نیز در حدیثی از پیغمبر اسلام -ص- می‌خوانیم: «الغیبة اسرع فی دین الرجل المسلم من الکلافة فی حوفاة؛ تأثیر غیبت در دین مسلمان از خوره در جسم او سریع‌تر است.»<sup>[۱]</sup>

کسی که به منظور عیب‌جویی و آبروبریزی مؤمنی سخنی نقل کند تا او را از نظر مردم بیندازد، خداوند او را از ولایت خودش بیرون کرده، به نسوی ولایت شیطان می‌فرستد و شیطان هم او را نمی‌پذیرد.<sup>[۱]</sup>

**علاج غیبت و توبه از آن**

غیبت بتدریج به صورت یک بیماری روانی در می‌آید، به گونه‌ای که غیبت‌کننده از کار خود لذت نمی‌برد و از اینکه پیوسته آبروی این و آن را بریزد احساس خستندوی می‌کند و این یکی از مراحل بسیار خطرناک اخلاقی است.

اینجا است که غیبت‌کننده باید قبل از هر چیز به درمان‌انگیزه‌های درونی

# غیبت؛ گناهی سنگین‌تر از ربا و زنا



**سرمایهٔ بزرگ انسان در زندگی، حیثیت و آبرو و شخصیت اوست و هر چه آن را به خطر اندازد مانند آن است که جان او را به خطر انداخته، بلکه گاه ترور شخصیت از ترور شخص مهم‌تر است. یکی از فلسفه‌های تحریم غیبت این است که این سرمایهٔ بزرگ بر باد نرود و حرمت‌اشخاص درهم نشکند، نکتهٔ دیگر اینکه غیبت، بدبینی می‌آورد، پیوندهای اجتماعی را سُست می‌کند، بذخ و عداوت سرچشمهٔ نزاع‌های خونین و قتل و کشتار می‌شود.**

غیبت که در اعماق روح او است و به این گناه دامنی می‌زند بپردازد، انگیزه‌هایی مانند «بخل» و «حسد» و «کینه‌توزی» و «عداوت» و «خودبرتربینی» می‌تواند زمینه‌ساز غیبت و تهمت باشد.

باید از طریق خودسازی و تفکر در عواقب سوء این صفات زشت و نتایج شومی که ببار می‌آورد و همچنین از طریق ریاضت نفس، این اولدگی‌ها را از

جان و دل شست تا بتوان زبان را از آلودگی به غیبت باز داشت. سپس در مقام توبه برآمد و از آنجا که غیبت جنبهٔ حق الناس دارد اگر دست‌ترسی به صاحب

غیبت نرود و مشکل تازه‌ای ایجاد نمی‌کند او از عذرخواهی کرد، هر چند بصورت سرسسته باشد و اگر دست‌ترسی به وی نیست، برای او استغفار کند و عمل تکمیل انجام دهد، شاید به برکت آن خداوند متعال غیبت‌کننده را ببخشد و طرف

مقابل را راضی سازد.<sup>[۱]</sup>

**نوشته‌ها:**

۱[۱] اصول کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ج ۲، ص ۲۵۸.

۲[۲] حجرات، ۱۲.

۳[۳]همزه، ۱.

۴[۴]نور[۱].

۵[۵]نساء، ۱۸.

۶[۶]مکارم شیرازی، اخلاق در قرآن، قهر، نشر مدرسهٔ الامام علی بن ابیطالب، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۹۷.

۷[۷]بحارالانوار، بیروت، مؤسسه البیروت، ج ۱۷، ص ۸۹.

۸[۸]تفسیر المیزان، ص ۲۲۱.

۹[۹]فیض کاشانی، المحجة البیضاء، جلد ۵، ص ۲۵۲، به نقل از تفسیر نمونه، ج ۲۲، ص ۱۸۹.

۱۰[۱۰] ايهان، ص ۲۵۲.

۱۱[۱۱] اصول کافی، ج ۲، باب العیبة، حدیث ۱.

۱۲[۱۲] حر عاملی، وسائلالعیبه، ج ۸، باب ۱۵۷، حدیث ۲.

۱۳[۱۳]مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۱۹۴،۱۸۸.

**\*مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات حوزه علمیه قم**

**۲- شناخته شدن انسان به ایمان، عفاف و تقویت امنیت اجتماعی زنان**
حجاب زن موجب می‌شود تا بینندگان بفهمند که این زن مؤمن و پاک است و این شناخت و تصویر از زن مومن باحجاب باعث می‌شود تا ملمبه دست هوس‌رانان نباشد.

در نامه ۳۱ نهج‌البلاغه آمده است: «فان شئدة الحجاب أبقی علیهن»

«حجاب و پوشش بیشتر زنان، موجب بقاء و پایداری بیشتر آنان خواهد بود.»

یکی از سازمان‌های زنان در آمریکا نیز که زنان را در موضوع جنسی آسیب‌پذیر می‌بیند، نتیجهٔ توصیه به آنان ارائه کرده است که از جملهٔ آنها:

عدم حضور در خلوتگاه، عدم معاشرت با غریبه‌ها، اصرار به تنها نبودن در

خیابان در ساعات پایانی شب و همراه داشتن چیزی که به مثابه سلاح دفاعی

عمل کند، (زن، بصیرت، حجاب ص ۸۸)

گنج‌هسا با زحمت بسیاری در حد بیان

گرد هر گنجینه‌های ماری خفته، پهرش پاسبان

بهر مخفی بودن از چشم بدان‌دیش حسریص

جنس با ارزش فلان درون سینه خاک است نهان

آدم بسالارزش از چشمان انچه‌ها مریض

حفظ گردد با حجاب و پوشش کامل. جوان!

چشمم بیمار هوس‌بازان نامرد و غفل

می‌رود دنبال افسردای به سبک آنچنان!

**۳- افزایش آرامش روانی در جامعه**

دار، در نظامی که انتظارات و نقش‌هایی را از گروه‌های مختلف اجتماعی انتظار

دارد، باید مکانیزم حمایت از نقش‌ها را نیز تمهید کند.

بنابراین انتظار مشارکت اجتماعی، فعالیت‌های علمی و سیاسی از تمام

مردم با گروه‌های خاص می‌طلبد که زمینه‌های مناسب برای حسن اجرای

نقش‌ها فراهم شود و رعایت حجاب از زمینه‌هایی است که می‌تواند به افزایش

آرامش روانی زن و مرد، کم شدن گناه و بافتن توانمندی اجتماعی منجر

شود. به تعبیر دیگر اگرکسر روانی می‌تواند استهلاک قوا در محیط اجتماعی

را کاهش دهد.

در اینجا نقش قوانین محدودکنندهٔ دین در موضوع پوشش شبیه به نقش قوانین محدودکنندهٔ در میادین ورزشی است که با ایجاد محدودیت در اعمال